



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان غاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۳۷-۳۷
نمابر: ۸۸۹۸۶۸۲۸-۸۸۹۸۶۸۲۰-۲۲-۲۲
تلفن اگهی‌ها: ۸۸۹۸۶۸۲۰-۲۲-۲۲
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharhdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۲:۰۹ اذان مغرب ۱۷:۵۹ اذان صبح فردا ۵:۳۲ طلوع آفتاب ۶:۵۶

شرق

روزنامه

شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۱ ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۴ ۹ فوریه ۲۰۱۲ سال دهم شماره ۱۶۶۸ ۱۲ صفحه ۱۶ صفحه ضمیمه

نقد فرهنگ

با هزار دوربین هم...



روبرت صافاریان

● انقلاب ما همه جا بوده؛ همه بودند... و ما اگر هزار دوربین هم داشتیم نمی‌توانستیم تصویری کامل بدهیم از قیام ملتی که به پیشواز مرگ رفته بود... برای آزادی. اینها کلماتی هستند که در آغاز فیلم مستند «برای آزادی» با حروف قرمز بر زمینه تیره نقش می‌یخند و بعد روایت «حسین ترابی» از انقلاب شروع می‌شود. اگر در این چند جمله دقیق شویم، می‌بینیم این کلام چندین لایه دارد. آشکارترین معنای آن اشاره‌ای است به فراگیری و بزرگی انقلاب چیزی در این مایه‌ها که «بان از بیان آن قاصر است.» و اینجا البته سخن نه از زبان که از سینما و دستگاه ضبط تصویر متحرک و صداست. دیگر اینکه حسین ترابی به ما می‌گوید که دوربین از ثبت تمامی ابعاد و تمامی لحظه‌های مهم یک واقعه فراگیر ناتوان است و با هر اندازه افزایش تعداد دوربین‌ها حتی با هزار دوربین «این ناتوانی به جای خود باقی می‌ماند و سرانجام ترابی از ملتی سخن می‌گوید که برای آزادی به پیشواز مرگ رفته بود. این تأکید بر مرگ به‌خصوص از این نظر جالب و حتی اندکی با عنوان فیلم در تناقض است که فیلم با مراسم سوگواری شروع و با مراسم سوگواری به پایان می‌رسد. حتی فضای پیش‌نوشته‌ای که در بالا نقل کردیم تیره و سرخ است.

اما ناتوانی‌های سینمای مستند، ناتوانی دوربین در ضبط همه وجوه و همه لحظه‌های یک رویداد (واقعه اجتماعی بزرگی مانند انقلاب که هیچ، حتی یک رویداد بسیار محدودتر و کوچک‌تر) خود معانی گوناگونی دارد. این ناتوانی تا یک جا دانی رسانه سینمای مستند است. دوربین طبیعتاً همه جانی‌تواند برود. هم به این دلیل که نمی‌گذارد بپروند، هم به این دلیل که آدم‌ها هم به دلایل شخصی و هم به دلایل اجتماعی حاضر نیستند آن را به حریم شخصی خودشان راه دهند و هم مهم‌تر از همه به این دلیل که امکان حضور در همه لحظه‌ها و همه مکان‌های یک رویداد اساساً غیرممکن است. در واقع حسین ترابی با آوردن آن نوشته نه تنها به تجلیل از فراگیری انقلاب می‌پردازد، بلکه می‌خواهد محدودیت‌های فیلمش را نیز تبیین کند. او پیشاپیش به بیننده‌اش می‌گوید که اگر مثلاً درباره فلان روز به‌خصوص انقلاب (مثلاً روز آزادی زندانیان سیاسی) یا فلان واقعه (مثلاً اعتصاب مطبوعات) چیزی در فیلم نمی‌بیند یا همه وقایع با تفصیلی متناسب با اهمیت‌شان در فیلم حضور ندارند، دلشش یزرگی رویدادی است که او و فیلمبردارانش درصدد ثبت آن بوده‌اند.

برای آزادی اثرگذار است چون خود تصویر مستند چیزی دارد که هیچ چیز نمی‌تواند جایگزینش باشد. در فیلم تصویری هست از ساختمان نیمه‌تمامی در خیابان آزادی که انبوه جمعیت چهار طبقه و پشت‌بام آن را پر کرده‌اند و با تکان دادن دست شعار می‌دهند. دوربین از تصویر بسته‌سای از جمعیت شروع می‌کند و چون زوومیک می‌کند ما متوجه می‌شویم آن گروه اندک جزیی از جمعیتی هستند که همه جای ساختمان را پر کرده‌اند. وقتی فیلم را تماشا می‌کردم پسرم را صدا زدم و به او گفتم «هن هم آنجا بودم» فکر می‌کنم هیچ جور دیگری نمی‌شد به او گفت که پدرش موقعی که تقریباً هم‌سپرسال او بوده در چه شرایطی زندگی می‌کرده است. تصویر مستند این ویژگی را دارد که با وجود همه صحبت‌هایی که درباره گزینشی بودن آن می‌شود، همواره چیزهایی گزینش نشده (عناصر ناخواسته) در آن هست و این عناصر سال‌ها بعد از رویداد می‌توانند از نگاهی دیگر دریافت و تفسیر شوند. برای نمونه

در تعدادی از صحنه‌های تظاهرات فیلم می‌بینیم تظاهرکنندگان ضبط‌صوت‌های خاکی در دست دارند. آنها دارند صدای شعارها را ضبط می‌کنند. این واقعه در آن زمان این اندازه باورنکردنی بود. یک سال پیش از آن تظاهرات گسترده علانوار کسی تصورش را نمی‌کرد جمعیتی چنین عظیم در خیابان‌ها شعار «مرگ بر شاه» بدهند. دیگر اینکه نشان می‌دهد میل به ضبط رویدادها نه در میان مستندسازان حرفه‌ای مانند فیلمبرداران برای آزادی بلکه در مردم عادی هم وجود داشته است. علاوه بر این، تظاهرات خیابانی در دهه‌های اخیر به ناگزیر تظاهراتی برای رسانه‌ها بوده است. در تمام مدت فیلم شاهد دوربین‌های تلویزیونی حرفه‌ای و آماتوری هستیم که از وقایع فیلم می‌گیرند و بسیاری از صحنه‌ها تظاهرکنندگان رو به دوربین و برای دوربین تظاهرات می‌کنند. انبوه پلاکاردهایی که به زبان انگلیسی نوشته‌شده‌اند آشکاراً مخاطب‌شان دوربین‌های تلویزیونی رسانه‌های بین‌المللی و از طریق آنها افکار عمومی جهان است. برای آزادی توسط فریدون ری‌پور، کریم دولابی، علی صادقی، ابراهیم قاضی‌زاده و گروهی دیگر از فیلمبرداران وزارت فرهنگ و هنر فیلمبرداری شده است. موسیقی آن را شیدا فرچه دانی ساخته و بهرام روی‌ریو آن را تدوین کرده است. ۳۵ میلی‌متری، رنگی، ۱۱۶ دقیقه، سال تولید: ۱۳۵۸-۱۳۵۹. بسیاری از تصویرهای این فیلم در فیلم‌های مستند دیگری که در طول سالیان بعد از انقلاب ساخته شده‌اند، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

زایوه دید

درباره موفقیت «محمد شیروانی» در جشنواره روتردام

لرزاننده سینمای بدنه



محسن امیریوسفی

«محمد شیروانی» پدیده سال‌های دور فیلم‌های کوتاه است. آن موقع که فیلم کوتاه ساختن به سادگی امروز نبود و باید کلی منت می‌کشیدی تا چند حلقه نگاتیو و یک دوربین پرسروصدا گِیرت بیاید و فیلمت را بسازی. آن موقع شیروانی فیلم کوتاه «دایره» را ساخت که از بهترین‌های آن سال‌ها بود. بعد خداوند دلش به حال سینمای مستقل سوخت و امر به تولد دوربین دیجیتال داد! و شیروانی با آن فیلم زبابی «کلندیدا» را ساخت که کل سینمای دولتی دفاع مقدس هنوز نتوانستند یک مادر شهید به سال فیلم‌های کوتاه و مستندش را ساخت و ساخت تا به فیلم سینمایی جدیدش به نام «لرزاننده چربی» رسید. جشنواره فجر این فیلم را انتخاب نکرد تا نشان دهد تنها جشنواره فیلم دنیاست که از فیلم‌های غیر تجاری و خاص و



نوشتن در سایه انقلاب

جنگ فقط به مردم آسیب می‌زند

ترجمه: مریم حیدری

می‌کند همیشه به دوری زمانی از حوادث و وقایعی که می‌گذرد، نیاز دارم تا اگر واقعا چارچوب منطقی دارند، طبق آن چارچوب در کشان کنم. همیشه به نظر، همه جنگ‌های بشری، جنگ‌هایی شکست‌خورده بودند چون درواقع فقط به مردم آسیب می‌رسانند و تنها پیروزی این جنگ‌ها، دست‌کشیدن از کشتار مردم است. همیشه سعی می‌کنم طرح‌های شعر و نقدم با تحولات سیاسی شتابزد، درگیر نشوند، چون در این صورت، به نویسنده‌ای تبدیل می‌شوم که یکبار عاشق سیاست می‌شود و بار دیگر، طرفدار ورزش به نظر من پرداختن به یک یا دو سبک و ساختار در نوشتن، نتایج خوبی در پی خواهد داشت.

نویسنده واقعی درباره حادثه یا حوادث نمی‌نویسد، بلکه خود حادثه می‌آفریند. حوادثی که در جهان عرب، اتفاق افتاده، شاعر و نویسنده‌ای که نیاز به تفسیر و تویل و نوشتن درباره آنها داشته باشند، آن هم به این دلیل است که در چارچوب سیاسی و فکری معین نمی‌گنجند، بلکه درواقع نبود، چون من نویسنده‌ای هستم که آنچه می‌گذرد و آنچه از طریق رسانه به ما می‌رسد، به خود مشغولم

یک فیلم یک نگاه

کفش‌های «میرزا نوروز» را به آتش بکشید

امیرحسین مصلی

در اوج سال‌های جنگ تحمیلی «محمد متوسلانی» با خلق فیلم کمدی کلاسیک «کفش‌های میرزا نوروز»، توانست تا حدی زخم‌های مردم جنگ‌زده را با شادکردن‌شان التیام بخشد و همچنین صنعت تحفی سینمای آن سال‌ها را با فروش نسبتاً خوب این فیلم سینمایی سریا نگه دارد؛ قصه فیلم کفش‌های میرزا نوروز با فیلمنامه‌ای از «لارپوش فرهنگ» روایت مردی است که نمی‌تواند از کفش‌های کهنه و پر از واصله پینه خود دل بکند و به همین‌دلیل با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شود تا جایی که اهل و عیالش طاقت‌شان طاق می‌شود و او را ترک می‌کنند؛ هربار که میرزا نوروز می‌خواهد این کفش‌ها را از خود دور کند تا به زندگی‌اش سروسمان دهد ناخواسته به مردم آسیب می‌زند و یک خرابکاری راه می‌اندازد، بالاخره کار به جایی می‌رسد که ملغوران عدلیه او را زندانی و سپس به مرگ محکوم می‌کنند. با دیدن این فیلم می‌توان دریافت در زمانه ما هم هستند میرزا نوروزهای ساده‌دلی که ناخواسته گرفتار کفش‌هایی شده‌اند که جز دردسر سودی برایشان ندارد و فقط با آنها به دیگران آسیب می‌زنند و دست آخر هم خود قربانی کفش‌هایشان می‌شوند، اما افسوس این کفش‌ها همچنان



شهریار مندنی‌پور◀ نویسنده

«... حالا که دانسته‌ای رازی پنهان شده در سایه جمله‌هایی که می‌خوانی، حالا که نکته نکته این کلام را آشکار می‌کنی، شاهد شراب مینو به کامت پاد...» این راز بخشی از داستان «شرق بنفشه» شهریار مندنی‌پور، داستان‌نویس ایرانی است که در ۲۶ بهمن سال ۱۳۳۵ در شیراز به دنیا آمد.نویسنده شاعرمسلكی که آثارش بوی بهار نارنج می‌دهد. او سردبیر هفته‌نامه عصر پنجشنبه بود. مندنی‌پور از مهم‌ترین نویسندگان نسل سوم داستان‌نویسی ایرانی محسوب می‌شود که داستان‌هایش به لحاظ فرم و زبان از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است. او هم‌اکنون در آمریکا به سر می‌برد.



جیمز دین◀ بازیگر

James Byron Dean متولد ۸ فوریه ۱۹۳۱ و بازیگر آمریکایی هالیوود که نامزد دو اسکار بهترین بازیگر مرد شده بود. او اولین بازیگری بود که پس از مرگ نامزد اسکار شد و تنها کسی است که دو بار پس از مرگش نامزد این جایزه شده، مرگ ناهنگام دین در ایجاد جایگاه افسانه‌ایش موثر بود. جیمز بایرون دین در سال ۱۹۳۱ در ایندیانای آمریکا زاده شد. نخستین نقش نمایشی او در ۱۹۵۰ بازی کرد. او در ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۵ در سن ۲۴سالگی در تصادف رانندگی کشته شد.



برتولت برشت◀ نمایشنامه‌نویس

اوگین برتولت فردریش برشت،متولد ۱۰ فوریه ۱۸۹۸ است.اومانی‌شنامه‌نویس و کارگردان تئاتر و شاعر سوسیالیست آلمانی بود. او را به عنوان برجسته‌ترین نمایشنامه‌نویس تئاتر روایی مشهورش می‌شناسند. اما برتولت برشت شاعری خوش‌قریحه نیز بود و شعرها، ترانه‌ها و تصنیف‌های پرمعنا و دل‌انگیز بسیاری سرود.

گزارش یک مرگ



فروغ فرخزاد◀ شاعر

ساعت چهارونیم بعلاظهر روز ۲۴ بهمن ۱۳۴۵، محله دروس منطقه شمیران تهران، شاهد حادثه‌ای مرگبار بود. حادثه‌ای که فروغ ۳۲ساله را با خود به «زمستانی سرد و غبارآلود» برد. چنانچه خودش پیشتر سروده بود: «مرگ من روزی فرا خواهد رسید...» فروغ فرخزاد با استیشن معروفش به یک درخت می‌کوبید. شدت تصادف به حدی بوده که روزنامه فردا، حادثه را این‌طور روایت کرد که «خبر تلخ بود و سهمگین؛ فروغ مردا» او شاعری پیشرو بود که پنج دفتر شعر منتشر کرد که به باور بسیاری از ادیبان و منتقدان ایرانی از نمونه‌های قابل توجه شعر معاصر فارسی هستند. فروغ با مجموعه‌های «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» در قالب شعر کلاسیک کار خود را آغاز کرد و با «ایمان بیابوریم به آغاز فصل سرد» و «تولدِ دیگر» در شعر نو امضای خود را به دست آورد.



بزرگ علوی◀ نویسنده

۶۰سال پیش «بزرگ علوی» رمان معروف «چشم‌هایش» را نوشت که برگرفته از زندگی «کمال‌الملک» نقاش بزرگ ایرانی بود و در یکی از آثارش چشم‌های نافذ زاری را به تصویر کشید که با مخاطبان سخن می‌گفت. او از اعضای گروه ۵۳ نفر بود که به دلیل گرایشات چپ، گذرش به زندان معروف قصر افتاد. کتاب «پنجاه و سه نفر» را علوی در زندان نوشت. ۲۱ بهمن ۱۲۷۵ در برلین آلمان درگذشت.



فندودر داستایوفسکی◀ نویسنده

هر کدام از ما نویسندگان و هنرمندان و شاعران جهان را با آثاری می‌شناسیم که برای ما شاخص و تاثیرگذار بوده‌اند. فنودور میخایلیوویچ داستایوفسکی، نویسنده روسی با آثار روانکولانش اثری عمیق بر مخاطبانش می‌گذاشت. او محبوب سوررئالیست‌هاست چنانچه آنها مانیفست خود را براساس نوشته‌های او رایبه کرده‌اند.داستایوفسکی در ۹ فوریه ۱۸۸۱ میلادی جان سپرده تا مخلوق‌های عصیان‌زده و روان‌پریش در آغوش شهرهای پرجمعیت و کثیف «کتاب‌هایش» بی‌او به فکر بهبود وضع مادی خود باشند. یادداشت‌های زیر زمین، جنایت و مکافات، ایله، برادران کارامازوف، جن‌زدگان و... از معروف‌ترین آثار ادبی داستایوفسکی هستند.

«بوف‌کور» به زبان یونانی ترجمه شد

رمان «بوف‌کور» اثر صادق هدایت به زبان یونانی منتشر شد. «بوف‌کور» اثر مطرح هدایت به قلم تورج یزدانی به زبان یونانی ترجمه شده است. به گفته جهانگیر هدایت «برادرزاده صادق هدایت- «بوف‌کور» در ۶۲سال گذشته به ۲۵زبان دنیا ترجمه شده است. این رمان اخیراً نیز به همت تورج یزدانی به زبان یونانی ترجمه شده و به این ترتیب، مهم‌ترین رمان فارسی تاکنون به ۲۶زبان برگردانده شده است.

قلم‌انداز

درشکه



سیروس ابراهیم‌زاده

● از عصری می‌آیم که هنوز آسپرین کشف نشده و برای تسکین سردردهای خوش دستمال می‌بندیم و وقتی از جلوی دندان‌ساز‌ی‌ها رد می‌شویم صدای گریه و زاری و استغاثه و فریاد از داخل مطب به گوش می‌رسد... یعنی که کلبتین و میخ‌کش به جان بندگان خدا افتاده، دُمار در روزگارشان می‌کشد. ولی امروز فرصی بالا می‌اندازیم و بسیاری از دردهایمان درمان می‌شود و در درمانگاه‌های تَروتمیز دندانپزشکان کارآزموده-درحالی‌که به موزیک نرم کلاسیک یا دل‌ای‌دل موسیقی سنتی گوش فرا می‌دهیم-حال می‌کنیم و پس از شنیدن یکی، دو جوک تربیت شده، نشن‌مان تا بناگوش باز می‌شود و دندان‌های ما را طوری می‌کشد که حالی‌مان نمی‌شود. ● خسته از قیل و قال‌های زمانه و زندگی مقوایی در دنیای مجازی، از خواندن روزنامه و خُل‌فصل جدول‌های تکراری کلمات متقاطع تا تماشای زورکی فرستنده‌های غیرمیزان محبوب خانواده، هوای زیارت کوچه باغ‌های خاطره به دلم می‌افتد و صبح زود بدون اخذ مجوز رسمی از مدیریت محترم بنسده منزل بیرون می‌زنم. از میدان توپخانه آغاز می‌کنم، به چهارراه حسن‌آباد می‌رسم و پس از گذشتن از محله سابق سنگلج، تقاطع بوذرجمهری و شاپور سابق ورد کردن خیابان فرهنگ و گذر وزیر دفتر و ارامنه، وارد بازارچه قوام‌الدوله می‌شوم. بعد می‌پیچم بالا می‌روم تا سرر از درخونگاه درآورم و راهم را کج کرده رو به شرق ادامه می‌دهم تا چهارراه گل‌بندک. دست راست نمی‌روم تا به میدان اعدام برسم، مستقیم به جلو کشیده می‌شوم تا حوالی بازار... و از اینجا به بعد اوضاع دیگری است، یعنی میدان آرک و سبزه میدان تا نزدیکی‌های تکیه نوروزخان و شاید بازار آهنگرها، چقدر جفت‌وجور شده با رویاهای ۵۰ و بیشتر رفته در خواب راقم این سطور. نه از ترافیک خودروها و رفت‌وآمدهای برق‌آسای مردم اغلب در صحنه خبری هست و نه از اولین جمعیت درهم و زده‌خورد تنه‌ها و هیاهوی معمول اغلب نقاط تهران بزرگ اثری. درشکه‌ها عینهو روزهای طلایی عصر بربرافرته لک و لک و لک حرکت می‌کنند و بوی پهن تازه با عطر گران‌قیمت خنم‌های شیک‌پوش بازار در آمیخته نوستالژی ناب و عبرت‌انگیزی را به مشام می‌رساند. آرامش مرموزی حکمفرماست که هیچ‌بعضی به قبل و بعد از توفان ندارد. صدای پای نجیب اسب‌هایی که درشکه را می‌کشند چیم چیم چیم چپ – تأثیر بسزایی گذاشته. کسی با عصبت راه نمی‌رود و موبایل – به – دست کمتر دیده می‌شود.

● چه خوب است این الگو در محلات دیگر تهران و کلان‌شهرهای ما سرمشق قرارگیرد تا به‌تدریج فتاویم خود را از تسلط معماران مودی دنیای شتابزده ماشین و بلبشو و بدو بدوهای مرگ‌بار رها سازیم و آرام‌آرام زاده شویم، صبورانه و سنگین گام برداریم و گام‌اش‌گام‌س در گذریم... نه اینکه تالایی به دنیا بیاییم، تَق تق تَق زندگی کنیم و بعد ناگهان به سرای باقی بشتاییم.

مخبرالدوله

نامزدهای نگاه‌اول

جشنواره فجر معرفی شدند

● **شرق:** فهرست نامزدهای بخش نگاه نو جشنواره فیلم فجر اعلام شد. در بخش بهترین کارگردانی، دانش اقباشاوی (تاج‌محل)، بهروز شعبی (دهلیز)، رامشین لوافی (برلین منی ۷) هادی مقدم‌دوست (سر به مهر)، روح... سهرابی (خاکستر و برف) یا یکدیگر به رقابت می‌پردازند. در بخش بهترین فیلم، «برلین منفی ۷» (سایمک پورشریف)، «دهلیز» (سیدمحمود رضوی‌مجد)، «وزروشن» (غلامرضا گمرکی)، «سر به مهر» (محمدرضا شفیعی) و «تنهایی تنهایی‌نها» (لاریس عبیدی‌پور) سه عنوان نامزد معرفی شده‌اند. حمید نعمت‌الله هادی مقدم‌دوست برای فیلمنامه «سر به مهر» و میثم ریاحی برای فیلمبرداری «او خوب سنگ می‌زند» نامزد شده‌اند. مینو فرشچی، ابراهیم فیاض، مسعود فراس‌تی، محمدرضا عرب، حسین زندیاف، ملتی حقیقی و فریدون حسن‌پور داوری این بخش را انجام دادند.

نمایش «عاقبت یک روز» یا یاد استاد ذوالفقون»

● **شرق:** فیلم مستند «عاقبت یک روز» با عنوان انگلیسی At Last One Day ساخته فرزاد حسنی نویسنده با استقبال علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر ایران در آمریکا مواجه شد. گفتنی است این فیلم که با الهام از یکی شعرهای فروغ فرخزاد ساخته شده به مقوله جولانگی هنر و ارتباط مرگ و حیات هنرمندان پرداخته است. فرزاد حسنی درباره ساخت این فیلم می‌گوید: فیلم به صورت کلاماً تجربی و بدون برنامه قبلی ساخته شد. گفتنی است این فیلم برای اولین بار در آمریکا و جشنواره فرهنگ به نمایش در آمده و با استقبال زیاد علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر ایران مواجه شده و تاکنون تعداد زیادی این فیلم را به صورت آنلاین تماشا کرده‌اند.